

اصطلاحات خوشنویسی و نسخه‌شناسی

در «تحفة المحبّین»^۱

پژمان فیروزبخش*
(نامه بهارستان)

درآمد

ضرورت تهیه و تدوین فرهنگ اصطلاحات نسخه‌شناسی و نسخه‌آرایی بر محققان این حوزه و کسانی که به هر طریق سر و کارشان با نسخه‌های خطی است، پوشیده نیست. وجود چنین فرهنگی ما را در شناخت بهتر انواع خطوط و اصول و قواعد آنها، ابزارها و ادوات کتابت، فنّ صحافی و تجلید، تزئینات نسخه‌های خطی، آداب و شیوه‌های کتابت و غیره، یاری خواهد نمود.

اولین قدم در جهت تحقّق این امر، تهیه صورتی جامع از امّتهات کتب و رسائلی است که هر یک به نوعی حاوی اصطلاحات فنون مذکور است. بعد از آن، اقدام اصلی، مطالعه متون و شناسایی و استخراج واحدهای واژگانی تخصصی، یا به عبارت دیگر واحدهای اصطلاح‌شناختی، از میان آنها است. بدین ترتیب بانکی از واژگان تخصصی فراهم می‌آید که اساس تدوین این فرهنگ قرار خواهد گرفت.

کسانی که به امر شناسایی و استخراج واحدهای اصطلاح‌شناختی می‌پردازند، لازم است که علاوه بر احاطه بر حوزه تخصصی مورد نظر، با زبان متون قدیم نیز آشنا باشند و اگر مشترکاً این کار را انجام می‌دهند، ضروری است که شیوه‌نامه‌ای داشته باشند تا کار خود را با یکدیگر هماهنگ سازند.

معرفی متن

متنی که در صفحات آتی فهرست اصطلاحات آن در معرض ارزیابی صاحب‌نظران قرار خواهد گرفت، کتاب ارجمند تحفة المحبّین^۲، دومین رساله کهن فارسی در آداب خط و مفصل‌ترین آنها است. مؤلف کتاب ابوالداعی یعقوب بن حسن بن شیخ، ملقب به سراج الحسنی الشیرازی، از اخلاف روزبهان بقلی است که آن را در سال ۸۵۸ق به تألیف درآورده است. گفتنی‌ها را درباره این کتاب استاد ایرج افشار در یادداشت ممتّع خود بر طبع کتاب به تفصیل مرقوم داشته‌اند و در اینجا ضرورتی به تکرار نیست. آنچه می‌توان در اینجا افزود این است که مؤلف یعنی یعقوب بن حسن از خوشنویسان نگارخانه مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم بن شاهرخ (حک: ۸۱۰-۸۳۸ق)، حاکم فارس بوده است.^۳

تعریف اصطلاح

به‌طور کلی اصطلاح واحدی زبانی است که بیانگر مفهوم یا نقشی خاص در حوزه موضوعی خاص، به‌ویژه حوزه علوم و فنون می‌باشد و ممکن است واژه یا ترکیب نحوی باشد. مشخصه‌های اصطلاح و وجوه ممیز آن را با سایر واحدهای زبانی می‌توان چنین برشمرد:

* کارشناس ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی؛ فارغ‌التحصیل ممتاز انجمن خوشنویسان ایران.

^۱ استاد ارجمند جناب آقای ایرج افشار پیش‌نویس فهرست حاضر را از نظر صائب خود گذراندند و اصلاحات و پیشنهادهای ارزنده‌ای ارائه فرمودند، از ایشان از جان و دل سپاسگزارم. از سرکار خانم دکتر فریبا قطره به خاطر معرفی برخی منابع صمیمانه متشکرم. دوستان خوبم آقایان علیرضا امامی و سعید لیان از آغاز تهیه این فهرست گره‌گشای مسائل و مصلح اغلاط بنده بودند. آقای لیان از سر لطف مقدمه را با دقت مخصوص به خود خواند و دقایق فراوانی را متذکر شد. از هر دوی ایشان بی‌نهایت سپاسگزارم.

^۲ تحفة المحبّین، به‌کوشش ایرج افشار، کرامت رعناحسینی، به‌اشراف محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: میراث مکتوب، نشر نقطه، ۱۳۷۶.

^۳ فرانسیس ریشارد، «نصیرالدین سلطانی مذهب و کتابخانه ابراهیم سلطان در شیراز»، ترجمه سید محمدحسین مرعشی، در: نامه بهارستان، س ۳، ش ۵ (تابستان ۱۳۸۱)، دفتر ۵: ۱۳۱-۱۳۷.

الف. در بافت تخصصی به کار می‌رود.

ب. در یک نظام معنایی جایگاه دقیق و معینی دارد.

ج. دارای معنی صریح است، اما این به آن معنا نیست که اصلاً معنی ضمنی و مجازی نداشته باشد.

د. توسط جامعه متخصصان ساخته می‌شود، و یا از زبان عمومی اخذ می‌گردد و کاربرد تخصصی پیدا می‌کند.

ه. معمولاً جز از طریق آموزش فرا گرفته نمی‌شود و نتیجتاً در میان متخصصان رایج است.^۴

با وجود این، باید اذعان داشت که زبان عمومی و تخصصی با یکدیگر در تعامل اند و قائل بودن به مرزی دقیق میان زبان عمومی و تخصصی ناممکن است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد میزان تخصصی بودن واحدهای زبانی، پیوستاری است که در یک سوی آن واحدهای کاملاً تخصصی و در سوی دیگر آن واحدهای کاملاً عادی زبان روزمره قرار دارد و بسیاری از موارد دارای حالت بینابینی است. در فهرست حاضر برای اینکه احیاناً اصطلاحی از دست نرود، کوشیده‌ام موارد بینابینی و مشکوک را نیز ضبط کنم. طبعاً مقادیری از اصطلاحاتی که اکنون در فهرست آمده‌اند، بعد از تهیه بانک واژگان تخصصی غیر ضروری به نظر خواهند رسید و قابل حذف خواهند بود. واژگان تخصصی، و در اینجا واژگان حوزه خوشنویسی و نسخه‌آرایی، به طور کلی در دو گروه قرار می‌گیرند. گروه اول منحصراً اصطلاحات تخصصی هستند و حوزه کاربردشان محدود به موضوعاتی مشخص است. این گروه خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. اصطلاحاتی که هنوز رایج است، مانند تمام قلم، خط رفاع، زیرمشق، سواد و بیاض.

ب. اصطلاحاتی که امروزه دیگر کاربردی ندارند، یعنی یا به همراه مدلول خود منسوخ شده‌اند، مانند خط معقلی، درج، قلم گاودم، کاغذ شامی نسب؛ و یا با واژه‌های تازه جایگزین شده‌اند، مانند اعجام، سیاهی، مداد ذهبی، محبره، مقط. گروه دوم اصطلاحاتی هستند که منحصراً تخصصی به حساب نمی‌آیند و ضمن آنکه در حوزه‌های تخصصی کاربرد زیادی دارند، اما نمی‌توان آنها را صرفاً مربوط به حوزه‌ای خاص دانست، مانند اسلوب، اصول، ترکیب، صمغ، مازو و بسیاری از صفات و قیود.^۵

روش کار

در فهرست آتی، کلیه اصطلاحات برحسب حوزه کاربردی و موضوع دسته‌بندی شده‌اند. تعیین حوزه کاربردی اصطلاحات، چنانکه از عنوان نیز برمی‌آید صرفاً با نظر به متن کتاب تحفة المحبّین است. غرض از این نوع ترتیب، مزید استفاده مراجعان و نشان دادن میزان غنای واژگانی و اهمیت این کتاب در حوزه‌های مختلف خوشنویسی است. بدیهی است که فرهنگ اصطلاحات نسخه‌شناسی، فرهنگی الفبایی خواهد بود و این فهرست اگر بنا بود نمونه‌ای از بانک اصطلاحات باشد، می‌باید به صورت الفبایی، بدون تفکیک معنایی و با ارجاعات خاص نظام خود تنظیم می‌شد.

در اینجا به اجمال طریقه استخراج و تدوین اصطلاحات مندرج در فهرست مزبور، بر اساس ضوابط یادشده و برحسب تقسیم بر مقوله دستوری ارائه می‌گردد.

اسم: اعم از بسیط، مشتق یا مرکب، مانند ارتسام، پرگار، چهره‌گشایی، دانگ، سرنسخه، نقش‌بند و غیره که به همین صورت و با تعیین حوزه کاربردی آورده شده است. جمع‌های مکسر نیز مدخل شده و در جلوی هر یک صورت مفرد آنها درون پرانتز درج گردیده است.

^۴ برای آگاهی بیشتر در این باره، نک:

M. Teresa Cabre Castellvi, "Theories of terminology, their description, prescription and explanation", in: *Terminology*; vol. 9, 2003, Issue 2, pp. 163-197.

نیز نک: هانری بژوان، «واژه‌های علمی و فنی در فرهنگهای عمومی»، ترجمه صفدر تقی‌زاده، در: مجله زبانشناسی، س ۱۲، ش ۱-۲ (۱۳۷۴)، پیاپی ۲۳ و ۲۴: ۱۱۳ - ۱۳۰.

^۵ الگوی این تقسیم‌بندی را از مقدمه ارزشمند کتاب فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، (قشون و نظمیه) یحیی مدرسی، حسین سامعی، زهرا صفوی میرهن (تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۱) اقتباس کردم.

صفت: اعم از بسیط، مشتق یا مرکب، مانند آب‌دار، پخته، تُنک، صاف، مطوَس، نازک و غیره که به همین صورت (و با ذکر موصوف هر یک درون پرانتز) آورده شده است. صفت‌هایی را به عنوان اصطلاح ضبط کردم که موصوفشان خود اصطلاحی تخصصی بوده است. بعضی صفت‌ها نیز با موصوفشان به صورت ترکیب وصفی ضبط شده‌اند. در این موارد کل ترکیب وصفی متضمّن معنای خاصی بوده است (نک: ترکیبات وصفی).

قید: مانند خوش و نیکو در خوش نوشتن و نیکو نوشتن که به همراه فعلی که آنها را مقید کرده، آورده شده‌اند. فعل: مانند برداشتن، شکافتن، کشیدن و غیره که به همین صورت و عمدتاً با ذکر معادل عربی که اصطلاح شهر است آورده شده است. افعال مرکب نیز مانند ترکیب کردن، چهره‌گشادن، صورت بستن، کتابت کردن، مسطر بستن، نقش بستن و غیره به همین صورت که ملاحظه می‌شود، درج گردیده است.

ترکیبات نحوی

الف. ترکیبات اضافی: ترکیبات اضافی تا آنجا که بر مدلول واحدی دلالت می‌کنند و یا مضاف‌الیه در آن ترکیب موجب تخصیص معنایی می‌شود، آورده شده‌اند. مانند ادوات خط، بدن سین، دوده نبط، رشته دفتر، فروع خط، کاغذ کتابه، میدان قلم. در موارد معدودی که مضاف‌الیه مطلقاً معنایی تخصصی به ترکیب نمی‌افزود و یا مجموع ترکیب بر مدلول واحدی دلالت نمی‌کرد، از درج آن صرف نظر شد.

ب. ترکیبات وصفی: ترکیبات وصفی تا آنجا که بر مدلول واحدی دلالت می‌کنند و کل ترکیب متضمّن معنی خاصی است، آورده شده‌اند. مانند بام مضمّر، جیم ترنجی، خط معکوس، دوات زجاجی، لام الف مربع مستطیل. ج. ترکیبات عطفی: ترکیبات عطفی عموماً با توجه به بسامد باهم‌آبی‌شان آورده شده است. مانند اصول و فروع، تأخیر و توقّف، سواد و بیاض، فصل و وصل. اینکه از مجموع اجزای ترکیب، معنی خاص واحدی حاصل می‌شود یا خیر، فعلاً مورد توجه نبوده و به جمع‌آوری شواهد بیشتر موکول گشته است.

د. ترکیبات بیش از دو جزء: عبارات نحوی که از جمع معانی اجزای آن، معنی تخصصی واحدی دریافت می‌شود، مانند از هم جدا شدن خطوط، به صریر آمدن قلم، فروریختن دم تیغ، کند گشتن قلم، کاغذ قطع کردن و یا ترکیباتی که کل ترکیب به مدلول مشخص و واحدی اشاره می‌کند، مانند بیاض میان سر و گردن فاء، قلم خفیف طومار، میم مفتوح مرسل، هلال سر صاد آورده شد.

* * *

کیفیت ترتیب اصطلاحات ذیل هر موضوع به صورت الفبایی و بدون توجه به ساختار زبانی آنها است. کلیه ترکیبات مربوط به یک اصطلاح اصلی ذیل مدخل آن اصطلاح آورده شده است. در این روش، جهت سهولت استفاده مخاطبان، بعضاً یک ترکیب را ذیل دو اصطلاح مرتبط، ولی در دو موضوع متفاوت قرار دادم. مانند «قلم کتابه»، که یک بار در بخش «قلم» ذیل مدخل «قلم» آورده شد و بار دیگر در بخش «کتابه و کتابه‌نویسی» به صورت مدخل «قلم کتابه». همچنین ممکن است یک اصطلاح که به چند حوزه معنایی تعلق دارد ذیل موضوعات مختلف دیده شود. مانند «ارسال» که یک بار در بخش «وضع و شکل خط» و بار دیگر در بخش «قلم‌گردش» درج گردید.

برای مزید استفاده، هرگاه جزء دوم یا بیشتر ترکیبی، عامل ممیز معنا یا تخصیص معنایی بود، آن جزء را مدخل ارجاعی قرار دادم. مانند فم‌الاسدی ← عین فم‌الاسدی.

ذیل مداخل مربوط به اصول و قواعد خوشنویسی، به مفاد و اجزای آن قواعد نیز ارجاع دادم. مانند اكمال (نیز ← استلقاء، انتصاب، انکباب، تسطیح، تقویس).

توضیح این مطلب نیز ضروری است که فهرست حاضر فهرستی خام و اولیه به شمار می‌آید و کاستی‌ها و اشکالاتی بر آن وارد است. طبع آن در این صحایف صرفاً جهت آن است که در معرض نقد و بررسی قرار گیرد.

ارتسام یافتن	۱۸۵، ۸۸
باریکی (وخ)	۱۴۳، ۱۴۰
پنهانی (وخ)	۲۴۵
تسطیر ۱۴۲: ~ نمودن ۱۳۵	
تسطیرات	۱۷۴
توسط (وخ)	۲۷۲، ۱۴۰
تیزی (وخ)	۱۳۹
جلیل	۴۲
خراشیدن ← ورق خراشیدن	

خط (اغلب صفحات): ادوات ~ ۱۰۶: اصل ~ ۱۳۴، ۱۴۷: اصول ~ ۱۴۷، ۱۷۶: اوضاع ~ ۲۵۶، ۲۵۷: جودت ~ ۲۵۶: جوهر ~ ۲۵۶: حسن ~ ۷۹، ۹۳، ۱۲۲، ۲۳۴: حسن و قبح ~ ۷۸: ریش آمدن ۸۱: ~ کشیدن ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۷۵، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۹: ~ نوشتن ۸۱، ۸۲، ۱۰۵، ۱۱۱، ۲۴۳: صنعت ~ ۵۵، ۶۱، ۷۹، ۱۳۱، ۲۷۱: صورت ~ ۵۵، ۶۱، ۷۹، ۱۳۱، ۲۷۱: علم ~ ۴۷، ۱۲۰، ۲۶۲، ۲۷۱، ۲۷۵: عمل ~ ۲۷۵: غث و سمین ~ ۱۳۲: فروع ~ ۱۷۶: فن ~ ۴۵، ۱۱۶، ۱۱۳: قسَم ~ ۱۴۱، ۲۴۵: کرسی ~ ۹۲، ۹۳: محکمی ~ ۸۶: نقل کردن ~ ۱۳۲: واضع ~ ۲۳۶: وضع ~ ۱۱۵، ۱۶۶، ۲۳۶

خطوط (ج خط) (اغلب صفحات): از هم جدا شدن ~ ۹۸ (= ایجاد بیاض در میان کلمات): اصل ~ (= شش قلم) ۱۴۲: ترکیب ~ ۱۵۰: صور ~ ۲۳۶

خفیف	۱۴۲
خوب (سخ)	۸۳، ۸۰، ۷۷
رسوم (ج رسم)	۱۳۵
رعنائی (وخ)	۱۳۹
رقم ۱۲۲، ۱۴۴: ~ اتسام یافتن ۵۳: ~ اثبات پذیرفتن ۱۵۱: ~ بستن ۵۱: ~ تبیین یافتن ۱۷۵: ~ تحریر یافتن ۱۳۴: ~ ثبت یافتن ۱۲۵: ~ زدن ۷۲، ۳۹: ~ کردن ۷۵	
رقم زده	۴۸
رقوم (ج رقم)	۱۳۵
روحانی ← صنعت روحانی	
ستبر (سخ)	۸۲
سطبری (وخ)	۱۴۰
سیه کردن	۷۲
صاف/ صافی (سخ)	۸۲، ۸۱
صنعت ۴۵، ۸۵، ۱۰۰، ۱۱۶، ۲۵۸، ۲۷۶: ~ روحانی ۱۱۷	
فن ۴۵، ۴۶، ۸۶، ۸۷، ۱۰۲، ۱۴۰، ۱۷۰، ۲۲۴، ۲۴۲، ۲۷۵	
فنون (ج فن)	۲۵۳
قرار	۱۴۲
کتابت (اغلب صفحات): آداب ~ ۶۷: آلات ~	

۶۷: اجزای ~ ۱۱۰: اسباب ~ ۶۷، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۹: اهل ~ ۱۳۸: حسن ~ ۲۵۶: صنعت ~ ۸۸، ۱۰۱: قلم ~ ۱۴۱: ~ فرمودن ۶۴: ~ کردن ۶۱، ۶۵، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۰، ۲۸۰: ~ نمودن ۱۱۱	
کتبی	۲۷۶
لطافت (وخ)	۱۳۳
لطیف (صت)	۱۳۳
مرقوم ۴۶، ۶۴، ۱۲۲: ~ شدن ۲۲۴: ~ گشتن ۲۷۰، ۲۳۶	
مرقومه	۲۲۴
مسطور ۲۰۳، ۲۸۴: ~ بودن ۹۱، ۱۱۸: ~ شدن ۸۸، ۱۵۰، ۲۲۴: ~ گشتن ۴۰، ۱۸۴	
مکتوب ۲۰۴، ۲۷۷: ~ بودن ۱۵۶، ۱۸۴: ~ شدن ۹۰، ۱۴۴، ۱۸۵، ۲۰۶: ~ گشتن ۱۱۸، ۱۴۹، ۱۹۵، ۲۲۴، ۲۶۴	
نازک (صت)	۱۳۳
نازک (سخ)	۱۴۳
نازکی (وخ)	۲۴۵
نشته	۶۲
نزاکت (وخ) ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۲، ۲۵۳	
نگاشتن	۷۶
نگاشته	۴۳
نوشتن (اغلب صفحات): خوش ~ ۷۹، ۱۰۵: نزدیک به کسی ~ ۱۲۴: نیکو ~ ۱۴۵	
نیک (صت)	۱۳۳
نیکو (سخ)	۱۰۵، ۸۶، ۸۲
ورق خراشیدن	۴۵
هنر	۲۵۸، ۱۲۵، ۱۰۷، ۷۱

انواع خط

اقلام سبعمه ۱۴۰: ~ سته ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۶	
ام الخطوط	۱۳۷
تعلیق ۱۴۲ - ۱۴۵: قلم ~ ۱۴۰	
توقیع (اغلب صفحات): خط ~ ۱۴۰، ۲۵۴	
ثلاثه ← خطوط ثلاثه	
ثلث (اغلب صفحات): قلم ~ ۸۷، ۱۴۶: قلم خفیف ~ ۱۴۱	
خط عربی ۲۷۶: ~ کتابه ای ۹۳: ~ هندی ۲۷۶	
خطوط اصول (= شش قلم) ۹۳: ~ ثلاثه ۹۳: ~ سته ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۵، ۲۵۳	
رقاع ۴۱، ۸۳، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۶، ۲۱۱، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲: خط ~ ۱۷۹، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۴	
ریحان ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۶: خط ~ ۱۳۳	
سبعمه ← اقلام سبعمه	
سته ← اقلام سته، خطوط سته	
شش قلم	۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲
طومار ۱۴۳، ۱۴۵: قلم ~ ۱۴۰، ۱۴۴: قلم خفیف ~ ۱۴۱	
عربی ← خط عربی	

غبار	۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵
قلم نسخ الجلیل	۱۴۱
قلم الکتابه	۱۴۱
قلم المجروم	۱۴۱
قلم المركب	۱۴۱
قلم المعکوس	۱۴۱
کتابه ای ← خط کتابه ای	
کوفی ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۱: خط ~ ۱۱۹، ۱۳۵	
مثنی ۱۴۴: قلم ~ ۱۴۰	
مجزوم	۱۴۴
محقق (اغلب صفحات): خط ~ ۸۳، ۱۳۳، ۲۱۱، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۴۸: قلم ~ ۱۴۶: قلم خفیف ~ ۱۴۱	
مرتکب	۱۴۴
مسلسل ۱۴۴: قلم ~ ۱۴۰	
مغقلی ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۴۱: خط ~ ۱۱۹، ۱۳۵	
معکوس	۱۴۴
ممزوج ۱۴۴: قلم ~ ۱۴۰	
نسخ ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۳: قلم ~ ۱۳۰، ۱۴۶	
نسخ تعلیق ۱۴۵: خط ~ تبریزی ۹۳، ۲۵۳: خط ~ شیرازی ۲۵۳: قلم ~ ۱۴۱: ~ تبریزی ۱۴۲: ~ شیرازی ۱۴۲	
نسخ الجلیل ← قلم نسخ الجلیل	
هندی ← خط هندی	

وضع و شکل خط

شکل: اشکال خط	ات: اتمام خط	او: اوضاع خط
اک: اکمال		تو: توفیه

اتمام [شط] ۲۵۷، ۲۵۶

(نیز ← صغر، طول، قصر، کبر)

ارسال [شط] ۱۰۴، ۱۵۵، ۱۷۶، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸

استلقاء [اک] ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۲: ~ کردن ۹۰، ۱۵۵، ۱۵۶

اشباع [شط] ۲۵۷، ۲۵۶

اشکال ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۶، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۵۱:

~ خط ۲۵۶، ۲۵۸: احسن ~ ۲۵۶:

~ اصول خطوط ۹۲

(نیز ← اتمام، ارسال، اشباع، اکمال، توفیه، شکل)

اکمال [شط] ۲۵۷، ۲۵۶

(نیز ← استلقاء، انتصاب، انکیاب، تسطیح، تقویس)

انتصاب [اک] ۲۷۲، ۲۵۷

انسطاح [اک] ۲۷۲

انکیاب [اک] ۲۷۲، ۲۵۷

اوضاع: ~ خط ۲۵۶، ۲۵۷: ~ اصول خطوط

۹۲: ~ حروف ۱۶۶

(نیز ← تألیف، تسطیر، تفصیل، ترصیف)

تألیف [او] ۱۵۶، ۱۶۰، ۲۵۷، ۲۵۸: اصول ~ ۱۵۷

ترصیف [او] ۲۵۸، ۲۵۷

تسطیح [اک] ۲۷۲، ۲۵۷

تسطیر [او] ۲۵۸، ۲۵۷

بنیة یاء ۱۷۵
 بیاض چشم لام الف ۲۶۷: سر جیم ۱۷۹: سر صاد
 ۱۵۷، ۱۷۸: سر طاء ۱۷۸: سر فاء ۱۶۲:
 سر میم ۲۱۰: سر واو ۲۴۹: سر طح کاف
 ۱۶۴: سر صاد ۱۵۸: میان سر عین ۱۸۹:
 میان سر فاء ۱۹۰: میان سر وگردن فاء ۱۹۰:
 میان کاف ۱۶۴: میم ۲۶۷
 پیکانی ← جیم پیکانی، میم پیکانی، میم
 مطموس پیکانی
 تازی ← راه تازی، یاء تازی
 ترکیب ثلاثی ۲۳۳، ۲۳۴: ثنائی ۱۹۶، ۲۳۳،
 ۲۳۴: خماسی ۲۳۳: دوگانه ۲۱۰: رباعی
 ۲۳۳، ۲۳۴: سباعی ۲۳۳: سداسی ۲۳۳
 ۲۴۱، ۱۲۱ تدویر
 تدویری ← سطوح تدویری
 ترکیبات ۱۸۲
 ترنجی ← جیم ترنجی
 تصویر ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۶، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۳۰،
 ۲۶۴: سر کردن ۱۲۱، ۲۵۲: سر نمودن ۱۳۵
 تقعر ۲۷۲
 تمام الوصول ← واو تمام الوصول
 تن سین ۱۵۷، ۱۶۳: سر صاد ۱۵۷: سر کاف ۱۶۳:
 سر نون ۱۶۳
 ثلاثی ← ترکیب ثلاثی
 ثنائی ← ترکیب ثنائی، مرکب ثنائی، مرکبات ثنائی
 جیم: بستگی سر ~ ۱۵۱: بیاض سر ~ ۱۷۹:
 ~ پیکانی ۲۳۷: ~ ترنجی ۲۳۷:
 ~ غنچه/ غنچه‌ای ۱۵۲، ۱۷۹، ۲۳۷:
 ~ مثلث طولانی ۲۳۷: ~ مدور مخروطی ۲۳۷:
 ~ مرکب ۱۵۲: ~ مفتوح ۱۷۹، ۲۳۷:
 ~ مفتوح مرسل ۲۳۹: ~ ملحق ۱۷۹، ۲۳۷:
 ~ ملحق مدور ۲۳۹: دایره ~ ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۷۹،
 ۲۳۷: دنبال ~ ۲۳۹: سر ~ ۱۵۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۱۰،
 ۲۳۷: شمره ~ ۱۵۱: طره ~ ۱۵۱: مدرسه ~ ۱۵۱
 چشم صاد ۲۱۷: سر لام الف ۲۶۷: سر هاء ۱۷۱، ۲۳۰
 چشم‌های هاء دالی ۲۵۱
 هاء: ~ مثلث ۲۶۹: ~ غنچه‌ای ۲۶۹، سر ~ ۲۶۹
 حدباء ۱۵۰، ۱۷۸: سر یاء ۱۷۸
 حرف ممدود ۲۳۳
 حروف (اغلب صفحات): ابتدات ~ ۲۶۰:
 انتتهات ~ ۲۶۰: اوضاع ~ ۱۶۶: تناسب ~
 ۹۲، ۹۳: حدود ~ ۱۴۸: سمس ~ ۲۷۷:
 دوایر ~ ۹۰، ۹۳: صور ~ ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۵۶، ۲۸۳
 حوتی ← هاء حوتی
 حیة‌ای ← هاء حیة‌ای
 خماسی ← ترکیب خماسی
 دال: خط تحتانی ~ ۱۵۳: خط فوقانی ~ ۱۵۳:
 مرسل ~ ۲۳۹: سر مرفوع ۲۶۴: سر مرکب ۲۳۹:

سطر ۹۳، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۳۴،
 ۲۴۶، ۲۵۸: اتمام ~ ۲۳۳، ۲۳۴: ترکیب ~
 ۱۹۰: تناسب در ~ ۹۳
 سطور (ج سطر) ۲۱۷، ۱۴۲، ۱۰۵، ۱۰۰، ۴۰
 سطوح (ج سطح) ۱۲۱
 سواد ۷۲، ۷۶، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۶۴، ۱۷۷، ۲۵۲: سر وبیاض
 ۱۱۹، ۱۵۷، ۱۸۰، ۲۶۴
 سیاهی ۱۱۹، ۱۴۴
 شمره ۱۵۵، ۱۷۵: سر ارسال ۱۵۴، ۱۶۷: سر ساختن ۱۵۰
 صعود ۸۸، ۱۴۴، ۱۷۶، ۲۷۳: سر کردن ۹۲:
 سر نمودن ۹۰: سر نزول ۱۰۴
 ضابطه ۱۵۲
 ضعف ۱۷۷
 طبقه (کرسی) ۱۴۵
 فروع خط ۱۷۶
 قاعده ۹۲، ۱۵۲، ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۷۶: اصول و ~
 ۸۳، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۹، ۲۴۶
 قواعد (ج قاعده) ۱۳۶، ۱۸۴، ۲۲۴، ۲۳۴: اصول
 و ~ ۱۱۳، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۶۲: سر ارکان ۱۶۲، ۲۴۰
 قوت ۱۷۷
 کراس ۱۷۶، ۲۷۳
 کرسی ۹۳، ۱۴۵: سر اسفل ۹۳: سر اعلی ۹۳: سر اوسط
 ۹۳: سر خط ۹۲، ۹۳: سر وسط ۹۳: مرتبه ~ ۱۴۵
 کشش ۹۳
 کشیدن (= مد) ۴۰، ۴۶، ۸۸، ۹۰، ۹۴، ۱۰۵،
 ۱۴۹، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۱۱، ۲۳۳-۲۳۴، ۲۴۳
 مد ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۵۳
 مشکل خوان ۱۴۵
 نزول ۸۸، ۸۹، ۱۷۶، ۲۷۳: سر صعود ~ ۱۰۴: سر کردن ۹۲
 نسبت ۱۷۶
 وسط ← کرسی وسط

حروف و کیفیات آنها

اتصال [ترکیب حروف] ۱۵۱
 اذنه الفرسی ← هاء اذنه الفرسی
 ارسال قوسی ← سین ارسال قوسی
 ارقام سیاهی ۱۴۴
 اعجام ۶۵
 الف: سر طاء ۱۵۸: سر قطه ۱۴۹: سر شمره ۱۵۸-
 الفات ۱۴۴، ۱۴۵: کناره ~ ۱۱۸
 انفصال [ترکیب حروف] ۲۳۳، ۲۳۴
 باء: سر مرسل ۲۳۷: سر مشتر ۲۳۷: سر مضم
 ۲۳۷: سر مفرد ۱۹۱: حد ~ ۱۵۰، ۱۷۸: سر ~
 ۱۵۰، ۱۷۸، ۱۹۱: قد ~ ۱۵۰، ۱۶۲
 بات ۱۱۸: کناره ~ ۱۱۸
 بدن راء ۱۵۴، ۱۷۰: سر سین ۱۵۵، ۱۷۵: سر کاف
 ۱۶۴: سر نون ۱۶۹: سر واو ۱۷۰: سر یاء ۲۵۳
 بستگی سر جیم ۱۵۱

تفصیل [او] ۲۵۸، ۲۵۷
 تقویس [اک] ۲۷۲، ۲۵۷
 توفیه [شط] ۲۵۶، ۲۵۷: سر کردن ۲۵۷: سر نمودن ۲۵۷
 (نیز ← مقوس، منتصب، منحنی، منسطح)
 شکل ۲۵۳، ۲۴۵، ۲۳۶
 صغر [ات] ۲۵۷
 طول [ات] ۲۵۷
 قصر [ات] ۲۵۷
 کبر [ات] ۲۵۷
 مقوس [تو] ۲۵۷
 منتصب [تو] ۲۵۷
 منحنی [تو] ۲۵۷
 منسطح [تو] ۲۵۷
 وضع خط ۲۳۶، ۱۶۶، ۱۱۵

اصول و فروع خط

ارسال ۱۰۴، ۱۵۵، ۱۷۶، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰،
 ۲۶۱، ۲۷۲: سر کردن ۹۰، ۱۵۵، ۱۵۶
 ارکان ← قواعد و ارکان
 اسفل ← کرسی اسفل
 اصول (اغلب صفحات): اشکال ~ خطوط ۹۲:
 ~ تألیف ۱۵۷: سر ترکیب ۱۷۶، ۲۳۳: سر خط
 ۱۴۷، ۱۷۶: سر سطح ۱۴۰: سر یاقوتی ۲۵۳:
 ~ و تفاربع ۱۱۶: سر و فروع ۲۴۶: سر وقاعده
 ۸۳، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۹،
 ۲۴۶: سر وقواعد ۱۱۳، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۶۲: اوضاع
 ~ خطوط ۹۲: فروع و ~ ۴۶: قواعد و ~ ۱۵۴
 اعلی ← کرسی اعلی
 امتزاج (= ترکیب) ۱۸۹، ۱۹۰
 اوسط ← کرسی اوسط
 بیاض (اغلب صفحات): سر فاحش ۱۹۰، ۲۳:
 ~ نازکی (۹) ۲۴۳: سواد و ~ ۱۱۹، ۱۵۷، ۱۸۰، ۲۶۴
 ترکیب (اغلب صفحات): سر اصول ~ ۱۷۶، ۲۳:
 ~ ثلاثی ۲۳۳، ۲۳۴: سر ثنائی ۱۹۶، ۲۳۳،
 ۲۳: سر خطوط ۱۵۰: سر خماسی ۲۳۳: سر
 دوگانه ۲۱۰: سر رباعی ۲۳۳، ۲۳۴: سر سباعی
 ۲۳۳: سر سداسی ۲۳۳: سر سطر ۱۹۰: سر کردن
 ۹۲، ۱۴۴، ۱۸۰: سر یافتن ۱۴۴، ۲۲۴: سر حسن ~
 ۲۳۴: صورت ~ ۱۶۷
 ترکیبات ۱۸۲
 تشمیر ۱۰۴، ۱۷۶، ۲۷۲: سر نمودن ۹۰
 تمام الاصول ۲۶۸، ۱۴۴
 تناسب ۹۳، ۱۴۵، ۱۷۸: سر حروف ۹۲، ۹۳:
 سر در سطر ۹۳: سر در صفحه ۹۳
 دور ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰،
 ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۵۰: سر دادن ۲۳۹
 سطح ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۷،
 ۲۵۰، ۲۶۷: اصول ~ ۱۴۰

مشمر ٢٣٩: ~ مفرد ٢٣٩: شمره خط
 زيرين ١٥٣: مدته زير ١٦٤
 دالي ← چشم هاي هاء دالي، كاف دالي، هاء
 دالي، ياء دالي
 دايره جيم ١٥١، ١٦١، ١٧٩، ٢٣٧: ~ سين ٢٤١:
 ~ عين ١٦١، ١٧٩، ٢٤٢: ~ نون ٢٤٩
 ٢٣٩ دنبال جيم
 دندانه ٢٤١، ١٨١، ١٧٩، ١٥٦، ١٥٥، ٩١
 دوچشم ← هاء دوچشم
 دوري ← سطوح دوري
 دوگانه ← تركيب دوگانه
 دهان فاء ٢٤٥: ~ ميم ٢٣٠
 ذوصادين ← هاء ذوصادين
 راه: ~ تازی ١٥٧: ~ مدور ١٨٩، ١٩٠: ~ مرسل ١٨٩،
 ١٩٠، ٢٢٤، ٢٣٩: ~ مرفوع ٢٢٤، ٢٤٠، ٢٤٦، ٢٦٧: ~ سر ~
 ١٨٩، ٢٠٦، ٢١٠، ٢٢٤، ٢٤٠، ٢٤٦، ٢٦٧: ~ سر ~
 ١٥٤، ١٧١، ١٧٥، ١٦١، ٢٦٧: شمره ١٥٤،
 ٢٦٣: طره ٢٦٢: قله ١٥٤: بدن ١٥٤، ١٧٠
 رباعي ← تركيب رباعي
 رسم الخط ٢٧٥
 رشيق القند (صفت الف) ١٧٧
 رقم تصوير يافتن ١١٨
 روحاني ← صورت روحاني
 زاويه بدن سين ١٥٥: ~ سين ١٦٦، ١٧٥: ~ نون ١٦٦
 سباعي ← تركيب سباعي
 سداسي ← تركيب سداسي
 سر الف ٢٤٤: ~ باء ١٥٠، ١٧٨، ١٩١: ~ جيم ١٥١،
 ١٧٨، ١٧٩، ٢١٠، ٢٣٧: ~ حاء ٢٦٩: ~ راه
 ١٥٤، ١٧١، ١٧٥، ١٦١، ٢٦٧: ~ سين ١٥٥،
 ١٨١، ١٨٢: ~ صاد ١٥٧، ١٦٤، ١٨٣، ١٩٦،
 ٢٠٦، ٢٦٤: ~ طاء ١٥٨، ٢٠٦: ~ عين ١٦٠،
 ١٦١، ١٨٩، ٢٦٩: ~ فاء ١٦٢، ١٦٣، ١٧٠، ١٩١،
 ٢٦٤: ~ كاف ١٦٣، ١٩١، ٢٤٦: ~ كاف ١٦٤،
 ١٩٦، ٢٥٣: ~ كاف مسطح ١٧٥: ~ ميم ٢١٠،
 ٢٤٩، ٢٦٦، ٢٦٨، ٢٦٩: ~ واو ١٧٠، ٢٦٤:
 ~ ياء ١٧٥، ١٧٨، ١٨٢، ٢٥٠، ٢٦٨، ٢٦٩
 سرصادي ← عين سرصادي
 سطوح تدويري ١٢١: ~ دوري ١٢١
 سين: بدن ١٥٥، ١٧٥: تن ١٥٧، ١٦٣:
 دايره ٢٤١: زاويه بدن ١٥٥: زاويه ~
 ١٦٦، ١٧٥: سر ~ ١٥٥، ١٨١، ١٨٢:
 ~ ارسال قوسي ١٥٥، ٢٤١: ~ قوسي ٢٣٥:
 ~ قوسي کمان ٢٤١: ~ مدور ٢٤١: ~ مرسل
 ٢٤١: ~ مرکب ٢٤١: ~ مفرد ٢٤١: ~ مقوس ١٥٥
 ٢٥٣، ٢٤٥، ٢٣٦
 شکل
 شمره آخر عين ١٦١: ~ الف ١٥٨: ~ اول عين
 ١٦١: ~ جيم ١٥١: ~ خط زيرين دال ١٥٣:
 ~ راه ١٥٤، ٢٦٣: ~ سر كاف ١٦٤: ~ سر نون

١٦٩: ~ لام ١٦٦: ~ نون ٢٦٦: ~ ياء ١٧٥
 صادی ← عين صادی
 صورت ١٦٥، ١٧٥، ١٧٣، ١٦٣، ١٣٥، ١١٨، ١٦٥، ٢٣٦،
 ٢٤٢، ٢٥٤، ٢٦٦، ٢٧٥، ٢٨٠: حسن ~ ٢٤٢:
 ~ بستن ١٦٨، ١٨٥، ٢٣٨: ~ تركيب ١٦٧:
 ~ خط ٧٦، ١٣٥، ١٩١، ٢٤٣، ٢٧٦:
 ~ روحاني ١٤٧: ~ مدته ٢٣٣
 صور (ح صورت) ٨٩، ١٢١، ١٢٢، ١٧٨، ١٨٥،
 ١٩٥، ٢٥١، ٢٧٨، ٢٨٠
 ضلع ١٦١، ١٦٠
 طاء: الف ~ ١٥٨: بياض سر ~ ١٧٨: سر ~ ١٥٨،
 ٢٠٦: ~ مرکب ٢٤٢: ~ مفرد ٢٤٢: مدته آخر ~
 ٢٦٤: هلال سر ~ ٩٠
 طره الف ٢٦٤: ~ جيم ١٥١: ~ راه ٢٦٢: ~ لام ١٦٦
 عين: بياض ميان سر ~ ١٨٩: دايره ~ ١٦١، ١٧٩،
 ٢٤٢: سر ~ ١٦٠، ١٦١، ١٨٩، ٢٦٩: شمره آخر
 ~ ١٦١: شمره اول ~ ١٦١: ~ سرصادي ٢٤٢:
 ~ صادی ٢٤٢، ٢٤٤، ٢٦٩: ~ فم الاسدي ٢٤٣:
 ~ فم الثعباني ٢٤٤: ~ محير ٢٤٣:
 ~ مرکب ٢٤٢: ~ معقود ١٨٩، ٢٤٤: ~ مفرد ٢٤٢:
 ~ نعلي ٢٤٢، ٢٤٣: هلال ~ ٩٠: هلال اول ~ ٢٤٤
 غنجه اي ← جيم غنجه اي، حاء غنجه اي
 فاء: بياض سر ~ ١٦٢: بياض ميان سر ~ ١٩٠:
 بياض ميان سر و گردن ~ ١٩٠: دهان ~ ٢٤٥:
 سر ~ ١٦٢، ١٦٣، ١٧٠، ١٩١، ٢٦٤: ~ مدور
 ٢٤٥: ~ مرسل ٢٤٥: ~ مرکب ٢٤٥: ~ مفرد
 ٢٤٥: قله ~ ١٦٢: گردن ~ ١٦٢، ١٦٣، ١٩٠
 فصل ووصل ٦٥
 فم ميم ٢١٧
 فم الاسدي ← عين فم الاسدي
 فم الثعباني ← عين فم الثعباني
 فواصل (ح فاصله) ٢١١
 قاف: تن ~ ١٦٣: سر ~ ١٦٣، ١٩١، ٢٤٦: ~ مرکب
 ٢٤٦: گردن ~ ١٦٣، ١٩٠
 قله ياء ١٥٠، ١٦٢: ~ راه ١٥٤: ~ فاء ١٦٢
 قطه ← الف قطه، ميم قطه، ميم مظموس قطه
 قوسي ← سين قوسي
 قوسي کمان ← سين قوسي کمان
 کاف: بدن ~ ١٦٤: بياض سطح ~ ١٦٤: بياض ميان ~
 ١٦٤: خط اول بدن ~ ١٦٤: خط بالاي ~
 ١٦٤: خط زيرين ~ ١٦٤: خط سر ~ ١٦٤:
 سر ~ ١٦٤، ١٩٦، ٢٥٣: سر ~ مسطح ١٧٥:
 شمره سر ~ ١٦٤: ~ دالي ٩٠، ١٩٤، ٢٤٦:
 ~ مرسل ٢٤٦: ~ مسطح ٩٠، ١٧٥، ١٩١، ١٩٦،
 ١٩٧، ٢٠٠، ٢٤٦، ٢٥٣: ~ مفرد ١٨٥،
 ١٨٩، ٢٠٧، ٢١٠، ٢٤٦: ~ مفرد منحنی ٨٩:
 ~ منحنی ٨٩، ٩٠، ١٩٤، ٢٠٦، ٢٤٦
 کلمه: کلمه مرکب ٩٢: حسن ~ ٢٣٣، ٢٣٤:

حسن وقیح ~ ٢٣٥: مدته ~ ٢٣٥
 ٩٣ کشش
 کشيدن (مدته) ٤٠، ٤٦، ٨٨، ٩٠، ٩٤، ١٠٥، ١٤٩،
 ١٧٧، ١٨٢، ١٩٠، ٢١١، ٢٣٣ - ٢٣٥، ٢٤٣
 گردن فاء ١٦٢، ١٦٣، ١٩٠: ~ قاف ١٦٣، ١٩٠
 لام: سر ~ ١٦٦: طره ~ ١٦٦: ~ مدور ٢٤٧:
 ~ مرسل ٢٤٧: ~ مرکب ٢٤٧: ~ مفرد ٢٤٧:
 ~ مفرد منحنی ٨٩
 لام الف: بياض چشم ~ ٢٦٧: ~ مدور ٢٥١، ٢٥٢:
 ~ مربع مستطیل ٢٥١، ٢٥٣: ~ مرسل ٢٥١، ٢٥٢
 لفظ مرکب ٩٢
 مثلث ← حاء مثلث، ميم مثلث، ميم مثلث مدور،
 ميم مظموس مثلث
 مثلث طولاني ← جيم مثلث طولاني
 محير ← عين محير، هاء محير
 مخروطي ← جيم مدور مخروطي
 مدته ٢٣٣، ٢٣٤، ٢٥٣: صورت ~ ٢٣٣: ~ سر
 جيم ١٥١: ~ کلمه ٢٣٥
 مذات ٢٣٣، ٢٣٤: ~ مستحسنة ٢٥٨
 مدته ٨٩، ٢٠٦، ٢٦٤: ~ آخر طاء ٢٦٤: ~ زير دال
 ١٦٤: ~ ميم ~ ٢٤٨: ميم مظموس ~ ٢٤٨
 مدور ١٥٤، ١٥٧، ٢٦٩
 مدور ← جيم مفتوح مدور، راه مدور، سين مدور،
 فاء مدور، لام مدور، لام الف مدور، ميم
 مثلث مدور، ميم مدور مفتوح، ميم مظموس
 مدور، ميم مفتوح مدور، نون مدور، واو مدور
 مدور مخروطي ← جيم مدور مخروطي
 ٢٦٩ مربع
 مربع مستطیل ← لام الف مربع مستطیل
 مرسل ← باء مرسل، جيم مفتوح مرسل، دال مرسل،
 راه مرسل، سين مرسل، فاء مرسل، كاف مرسل،
 لام مرسل، لام الف مرسل، نون مرسل، واو مرسل
 مرفوع ← دال مرفوع، راه مرفوع، ميم مرفوع مرکب
 ١١٣، ١١٨، ١٩٤: ~ ثنائي ١٩٤
 مرکب ← جيم مرکب، دال مرکب، سين مرکب،
 طاء مرکب، عين مرکب، فاء مرکب، لام مرکب،
 لفظ مرکب، ميم مرکب، نون مرکب، ياء مرکب
 مرکبات ٤٦، ١٧٦، ١٩١: ~ ثنائي ١٧٧
 ٢١١ مسطح
 مسطح ← سر كاف مسطح، كاف مسطح
 ١٣٦ مسطحيت
 مشمر ← باء مشمر، دال مشمر
 مضممر ← باء مضممر، راه مضممر، ميم مضممر،
 نون مضممر، هاء مضممر
 مظموس ← ميم مظموس، ميم مظموس پيکاني،
 ميم مظموس قطه، ميم مظموس مثلث، ميم
 مظموس مدور، ميم مظموس مدته، واو
 مظموس، هاء مظموس، هاء مظموس مطلق

تعلیم خط

اساتذہ (ح استاد)	(اغلب صفحات)
استاد ۴۶، ۸۱، ۸۳، ۱۰۲-۱۰۵، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۳	۲۶۲، ۲۴۵
اسلوب	۱۳۰
تتبع کسی کردن	۱۳۰
تعلّم	۱۰۴
تعلیم ۸۴، ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۳۱: ~ نمودن ۶۴	
تلامذہ (ح تلمیذ)	۱۳۳
تلمیذ	۱۳۳، ۸۴، ۴۶
درجه	۱۹۰
شاگرد	۱۳۳، ۱۰۴، ۷۹
طریق	۲۵۴، ۱۴۶، ۱۴۲
طریقه	۲۴۵، ۱۴۷، ۱۲۴
متعلّم	۱۰۴
مثل کسی نوشتن	۱۲۴
مداد برگرفتن	۱۰۵
مشق	۱۱۶، ۱۰۵، ۱۰۲، ۸۸، ۴۶
ملکه کردن	۱۰۴
نزدیک به کسی نوشتن	۱۲۴
نقل کردن خط	۱۳۲

القاب و عناوین

بطیء الکتابه	۸۶
خاتمة الكتاب	۱۴۶، ۴۶
خاتمة الكتاب والخطاطین	۱۴۱، ۴۵
شیخ الخطاطین	۲۴۵
قبلة الكتاب	۲۵۳، ۲۴۵، ۱۳۱، ۱۰۶، ۴۶

قلم

صق: صفت قلم	
اقلام (ح قلم) ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۵۸، ۶۱، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۱-۱۴۴: نوک ~ ۵۹، ۱۰۸	
پخته (صق) ۷۷: نی ~ ۱۱۰	
تخایر ← قلم تخایر	
جدولی ← قلم جدولی	
جلفة القلم	۲۷۲
خام (صق)	۷۷
خامه ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۹، ۶۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۳: زبان ~ ۵۰: نوک ~ ۴۰	
دانگ ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۸۲: ~ قلم ۸۸	
رخو (صق)	۲۷۲، ۸۲، ۸۰
سبک (صق)	۷۸
سخت (صق)	۲۷۲، ۸۱، ۷۸
سرخ (صق)	۷۸
سست (صق)	۲۷۲، ۸۱، ۷۸
سنگی (صق)	۷۸

~ عین ۹۰

یاء: بدن ~ ۲۵۳: بنیة ~ ۱۷۵: حلّ ~ ۱۷۸: سر ~ ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۶۹: شمرة ~ ۱۷۵: تازی ۲۵۳: ~ دالی ۲۵۳: ~ مرکب ۲۵۳: ~ معکوس ۹۰، ۱۹۱، ۲۵۳: ~ مفرد ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۵۳، ۲۶۸، ۲۶۹: ~ مفرد معکوس ۱۹۰ ارسال ۱۰۴، ۱۵۵، ۱۷۶، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱: ۲۷۲: ~ کردن ۹۰، ۱۵۵، ۱۵۶

قلم‌گردش

انتقال	۱۰۴
تأخیر و توقّف	۱۰۴
تشمیر ۱۰۴، ۱۷۶، ۲۷۲: ~ نمودن ۹۰	
تمام قلم	۱۴۹
تمامی قلم	۹۲، ۹۰
جریان قلم	۲۵۸
حرکات	۱۴۹، ۱۰۵، ۱۰۴
حرکت	۲۴۵، ۱۵۳، ۱۴۹، ۱۰۵
دست فرو گذاشتن	۲۵۸
سرعت	۱۰۴
صعود ۸۸، ۱۴۴، ۱۷۶، ۲۷۳: ~ کردن ۹۲: ~ نمودن ۹۰: ~ و نزول ۱۰۴	
قطع و وصل	۱۰۴
قلم راندن ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۱۴۹: ~ گرفتن ۸۵، ۸۶	
قلم‌گردش	۱۰۴، ۸۸
گردش قلم	۱۴۹، ۸۵
نزول ۸۸، ۸۹، ۱۷۶، ۲۷۳: صعود و ~ ۱۰۴: ~ کردن ۹۲	

کاتب، خطاط و اعمالشان

تصرف فرمودن	۱۳۲
تصرفات	۲۳۵
حک	۱۱۰
خطاط ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۴۵، ۱۴۵: طبع ~ ۱۰۴: عیب ~ ۹۳: قدرت ~ ۸۲، ۸۳، ۲۴۳: مهارت ~ ۱۸۰: ید ~ ۱۰۴ قوت دست ۸۱: ~ فکری ۱۰۴: ~ نظری ۱۰۴	
کاتب (اغلب صفحات): آداب ~ ۸۴، ۱۰۱، ۱۰۶: تصرف ~ ۲۲۴: حدس ~ ۷۸، ۸۷، ۲۰۶: حسن ~ ۲۳۵: ذهن ~ ۲۳۵: عیب ~ ۹۳: مهارت ~ ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۱۸۰: وجدان ~ ۸۸ کتاب (ح کاتب) ۸۴، ۹۵، ۱۳۲، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۷۶، ۲۷۱	
محرز	۲۴۶، ۱۴۳، ۱۰۵، ۱۰۰، ۴۵
مسود	۸۶
منشی	۲۱۷، ۱۴۴، ۱۴۲، ۱۳۸، ۴۹، ۴۰
نویسنده	۲۳۸، ۷۷، ۶۴

معقود ← عین معقود، هاء معقود
معکوس ← یاء معکوس، یاء مفرد معکوس
مفتوح ← جیم مفتوح، جیم مفتوح مرسل، میم مدوّر مفتوح، میم مفتوح میم، مفتوح مرسل مفرد ۱۱۳، ۱۸۵، ۲۵۶
مفرد ← باء مفرد، دال مفرد، سین مفرد، طاء مفرد، عین مفرد، فاء مفرد، کاف مفرد، کاف مفرد منحنی، لام مفرد، لام مفرد منحنی، نون مفرد، هاء مفرد، یاء مفرد، یاء مفرد معکوس مفردات ۴۶، ۹۲، ۱۴۷، ۱۹۱، ۲۰۰: حدود ~ ۱۴۷ مقوس ← سین مقوس
ملحق ← جیم ملحق، جیم ملحق مدوّر، هاء ملحق ممدود ← حرف ممدود
من مثلث (؟) ۲۶۶: مضمّر (؟) ۲۶۶
منحنی ← کاف مفرد منحنی، کاف منحنی، لام مفرد منحنی
میم: بیاض ~ ۲۶۷: بیاض سر ~ ۲۱۰: دهان ~ ۲۳۰: سر ~ ۲۱۰، ۲۴۹، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹: ~ پیکانی ۱۸۲: ~ قطه / قطه ای ۱۸۲، ۲۴۸: ~ مثلث ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۴۸، ۲۶۸: ~ مثلث مدوّر ۲۴۸: ~ مدوّر مفتوح ۲۱۰: ~ مله ۲۴۸: ~ مرفوع ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۴۸، ۲۶۷: ~ مرکب ۲۴۷: ~ مضمّر ۲۶۹: ~ مطموس ۲۱۱، ۲۴۸: ~ مطموس پیکانی ۲۴۸: ~ مطموس قطه ۲۴۸: ~ مطموس مثلث ۲۴۸: ~ مطموس مدوّر ۲۴۸: ~ مطموس مله ۲۴۸: ~ مفتوح ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۴۸: ~ مفتوح مدوّر ۲۴۸: ~ مفتوح مرسل ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۸
نازک اندام (صفت الف) ۱۷۷
نعلی ← عین نعلی
نقط (ح نقطه) ۱۳۲
نقطه (اغلب صفحات): ~ طولانی ۱۵۰، ۱۷۸، ۲۰۶، ۲۳۴
نیم نقطه ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۸۹، ۱۹۰
نون: بدن ~ ۱۶۹: تن ~ ۱۶۳: دایره ~ ۲۴۹: زاویه ~ ۱۶۶: شمرة ~ ۲۶۶: ~ مدوّر ۲۴۹: ~ مرسل ۲۴۹: ~ مرکب ۲۲۳، ۲۴۹: ~ مضمّر ۲۱۰، ۲۴۹، ۲۶۹: ~ مفرد ۲۴۹
واو: بدن ~ ۱۷۰: بیاض سر ~ ۲۴۹: سر ~ ۱۷۰، ۲۶۴: ~ تمام الوصول ۲۶۴: ~ مدوّر ۲۴۹: ~ مرسل ۲۴۹: ~ مطموس ۲۴۹
هاء: چشم ~ ۱۷۱، ۲۳۰: چشم های ~ دالی ۲۵۱: ~ آذنه الفرسی ۲۵۰، ۲۶۷: ~ حوتی ۲۵۰: ~ حیة ای ۲۵۰: ~ دالی ۲۵۰: ~ دو چشم ۲۵۰: ~ ذو صادین ۲۵۰: ~ محیر ۲۵۰: ~ مضمّر ۲۲۳، ۲۵۰، ۲۶۷، ۲۶۹: ~ مطموس ۲۵۰: ~ مطموس مطلق ۲۵۰: ~ معقود ۱۷۱، ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۵۰، ۲۵۱: ~ مفرد ۲۵۰، ۲۵۱: ~ ملحق ۲۱۰
هلال اول عین ۲۴۴: ~ سر صاد ۹۰: ~ سر طاء ۹۰

سوخته (صق) ۷۷
 شظیبه ۹۰، ۲۶۰، ۲۷۲؛ شظیبه ۹۰، ۹۰
 صریر ← به صریر آمدنِ قلم
 صلب (صق) ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۲۷۲
 غلیظ ← قلم غلیظ

قلم (اغلب صفحات): اندرون ~ ۷۸؛ انسی ~ ۸۱، ۹۰؛ بطن ~ ۸۱؛ به صریر آمدن ~ ۱۰۷؛ پختگی ~ ۷۷؛ پوست ~ ۸۱؛ تیزی ~ ۲۷۲؛ جرم ~ ۸۱؛ جلفه ~ ۸۲؛ حواشی ~ ۸۱؛ دانگ ~ ۸۸؛ دست ~ (= دستی که به آن قلم گیرند) ۱۰۵؛ دور ~ ۸۷، ۷۷؛ رخاوت ~ ۸۲، ۸۷؛ رگ ~ ۷۷؛ ریزه ~ ۸۴؛ زبان ~ ۸۷؛ سر ~ ۸۳، ۱۴۵؛ سرخی ~ ۷۷؛ سفیدی ~ ۷۷؛ سینه ~ ۸۲؛ شحمه ~ ۸۱؛ شظیبه ~ ۹۰، ۹۱؛ صدر ~ ۲۵۷؛ صلابت ~ ۸۲، ۸۷؛ قار ~ ۱۰۷؛ قامت ~ ۷۷، ۱۴۵؛ تخایر ~ ۸۱؛ جدولی ~ ۱۱۱؛ غلیظ ~ ۱۴۴؛ کتابت ~ ۱۴۱؛ گاوڈم ~ ۸۱؛ کند گشتن ~ ۸۱؛ گرفتن ~ ۸۵، ۸۶؛ مزاج ~ ۸۲؛ میدان ~ ۸۷، ۱۰۵، ۲۷۲؛ نوک ~ ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۷۷؛ وحشی ~ ۸۱، ۹۰

کلک ۴۰، ۴۶، ۴۸، ۵۹، ۷۱، ۷۵، ۸۰، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۶۷
 گاوڈم ← قلم گاوڈم
 محکم (صق) ۷۸
 معتدل (صق) ۸۲
 معتدل مزاج (صق) ۸۱
 ملحقه ۲۶۰، ۲۷۲

تراش قلم

استخوان قلم دست قاز [مقط ساختن] ۱۱۰
 استخوان قلم دست کلنگ [مقط ساختن] ۱۱۰
 برداشتن (= نحت) ۸۱
 بری (= قلم تراشیدن) ۲۷۲
 تحریر [تراش قلم (؟)] ۱۰۸
 تحریف [قط قلم] ۱۳۲
 تراشیدن ۸۷، ۲۷۲؛ قلم ~ ۴۵، ۶۷، ۶۹، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۲۷۲
 جزم [قط قلم] ۸۲؛ قلم ~ ۸۳، ۱۴۴؛ مطلق ۱۳۲
 ریزه قلم ۸۴
 سر زدن قلم ۸۳، ۱۰۷
 شق قلم ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۴۵، ۲۷۲
 شکافتن (= شق) ۸۱، ۸۲، ۲۷۲
 فتح قلم ۸۰، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۱۰۸، ۲۷۲
 قط ۸۰، ۸۲، ۱۰۸، ۲۷۲؛ قلم ~ ۸۳، ۱۱۰، ۱۳۲؛ پخش شدن ~ قلم ۸۳؛ زدن ~ محل ~ ۸۱
 قلم باز نمودن (= فتح قلم) ۶۷
 قلم جزم [قط قلم] ۸۳، ۱۴۴؛ متوسط ۸۳؛ محرف ۸۳
 متوسط [قط قلم] ۸۲؛ قلم ~ ۸۳
 محرف [قط قلم] ۸۲، ۲۷۲؛ قلم ~ ۸۳

مقط ۱۱۰
 نحت قلم ۸۰، ۸۱، ۱۰۸، ۲۷۲؛ بطن قلم ۸۱
 ~ حواشی قلم ۸۱

قلم تراش

وقل: در وصف قلم تراش | صقل: صفت قلم تراش
 آب (وقل) ۱۰۸
 آب دار (صقل) ۸۰
 تیز / تیزی (صقل) ۷۹، ۸۳، ۱۰۸
 تیغ ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۱۰۸؛ بازگشتن دم ~ ۷۹؛ فروریختن دم ~ ۷۹
 دم تیز (صقل) ۸۰
 سبک خیز (صقل) ۸۰
 قلم تراش ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۱۰۸؛ قبضه ~ ۸۳؛ کوچک ۱۱۱
 موشکاف (صقل) ۸۰
 نرم (صقل) ۷۹

مرکب و مرکب سازی

وم: در وصف مرکب | صم: صفت مرکب
 آب حنا ۹۹؛ زاج ۹۷؛ صمغ ۹۹؛ مازو ۹۷؛ مورد ۹۹
 آبگینه ای ← ظرف آبگینه ای
 استبرق [لیقه ساختن] ۱۰۷
 افتمون ۹۷
 برگ حنا ۹۷؛ مورد ۹۷، ۹۹
 بزر ← دوده بزر
 تبتی ← مُشک تبتی
 تسحیق ۹۷
 تطویس (وم) ۱۰۰
 چینی ← دوات چینی
 حریر ۹۸؛ ليقه ۱۰۷
 حنا ← آب حنا، برگ حنا
 خوب (صم) ۹۸
 دوات ۷۱، ۹۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۶۸؛ ~ چینی ۱۰۷؛ زجاجی ۱۰۷؛ شوراندن ۱۱۰
 دوده ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸؛ خمیر ~ و صمغ ۹۹؛ روغن گرفته ۹۸؛ روغن ~ ۹۶؛ بزر ۹۶، ۹۸؛ نفط ۹۸
 ذهبی ← مداد ذهبی
 روان (صم) ۹۸، ۹۹
 زاج ۹۶؛ آب ~ ۹۷؛ قبریسی ۹۷
 زجاجی ← دوات زجاجی، ظرف زجاجی
 زعفران ۹۸
 زعفران ریشه ۹۸
 زنگار قبریسی ۹۸
 سحق ۹۷، ۱۰۰؛ کردن ۹۷، ۹۹؛ نمودن ۹۹
 شیشه ۹۵، ۹۶
 صاف (صم) ۹۶

صبر سقوطی ۹۷، ۹۸
 صمغ ۹۶، ۹۷، ۹۹؛ آب ~ ۹۹؛ خمیر دوده و ~ ۹۹؛ ~ عربی ۹۷، ۹۸، ۱۱۱
 طبرزد ۹۸؛ نمک ~ ۱۱۱
 طلا [مرکب] ۱۴۴
 عربی ← صمغ عربی
 قبریسی ← زنگار قبریسی
 قرابه ۹۵
 کاغذی ← کیسه کاغذی
 کرباس ۹۷
 کفچه ۱۱۰
 کیسه کاغذی ۹۸، ۹۶
 گلاب ۹۹، ۹۸
 لاجورد ۱۴۴
 ليقه ۱۱۱؛ حریر ~ ۱۰۷
 مازو ۹۶، ۹۷؛ آب ~ ۹۷

مجره ۱۱۱، ۱۰۹
 مداد ۶۷، ۸۲، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۹؛ ~ ذهبی ۹۶، ۱۰۰؛ ~ مطوس ۹۸؛ ~ مطوسی ۹۶، ۹۷
 مرقشیشا ۹۸؛ سوخته ۹۸، ۹۹
 مسی ← ظرف مسی
 مُشک ۹۸؛ تبتی ۹۸
 مصری ← نبات مصری
 مطوس (صم) ۹۸؛ مداد ~ ۹۸
 مطوسی ← مداد مطوسی
 منتشف (صم) ۱۰۰
 مورد ← آب مورد، برگ مورد
 میل برنجین [دوات شوراندن] ۱۱۰
 نبات مصری ۹۷
 نفط ← دوده نفط
 نشف کردن ۹۷، ۱۰۰
 نمک هندی ۹۷، ۹۸
 نیک (صم) ۹۹
 نیل سداب ۹۷، ۹۸
 والا ۹۸
 وسمه ۹۷
 هندی ← نمک هندی

کاغذ و کاغذ سازی

وک: در وصف کاغذ | صک: صفت کاغذ
 اوراق ۶۱، ۶۴، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۹۳، ۲۵۲، ۲۶۵؛ اضلاع ~ ۴۱، ۷۰، ۱۶۳
 بند ۱۰۹
 پاره (= رقعہ) ۱۳۹
 تُنک (صک) ۱۰۹
 جزو ۱۱۰، ۱۱۱؛ کردن ۱۰۸
 حریر [کاغذ سازی] ۱۰۸



۱۴۵	جلد	جزو ۱۱۰، ۱۱۱؛ ~ کردن ۱۰۸
۱۰۸	رشته دفتر	
۱۰۹	مجلدی ← تنگ مجلدی وصل (؟)	

ابزار و ادوات

۶۷	آلات کتابت	
۱۴۵	ابریشم [کتابه نویسی]	
۱۰۶	ادوات خط	
۱۰۹، ۱۰۶، ۱۰۱، ۶۷	اسباب کتابت	
۱۳۲، ۱۱۱، ۹۳	پرگار [جدول کشیدن]	
۱۱۰	پوست (= زیرمشق)	
۱۱۰	پوست پاره (= زیرمشق)	
۱۱۱، ۴۱، ۴۰	تخته	
۱۴۵	تخته مربع مستطیل [کتابه نویسی]	
۱۱۱	تنگ	
۱۱۱	تنگ مجلدی	
۱۴۵	تیماج [تجلید، کتابه نویسی]	
۱۱۰	جزع [مهره کشیدن]	
۱۱۱	خار [جدول کشیدن]	
۱۰۸	دشنه	
۱۱۰	زیرمشق	
۱۴۵	سالو [کتابه نویسی]	
۱۴۵، ۱۱۱	سطاره [کتابه نویسی]	
۱۱۰	سقرلاط [برای پاک کردن دم قلم]	
۱۱۱، ۱۰۸	سوزن [جدول کشیدن]	
۱۱۰	عقیق [مهره کشیدن]	
	قلم (اغلب صفحات)	(نیز نک. بخش قلم)
۱۰۸، ۸۳، ۸۰، ۷۹	قلم تراش	
	(نیز نک. بخش قلم تراش)	
۱۱۱	قلم دان	
۱۴۹، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۱۱، ۱۰۸، ۸۸، ۷۷	کاغذ	
	(نیز نک. بخش کاغذ و کاغذسازی)	
۱۱۰	مهره	
	مجلدی ← تنگ مجلدی	
۱۱۹، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۵، ۱۰۰، ۹۸، ۹۶، ۹۵، ۸۲، ۶۷، ۶۶	مداد	
	(نیز نک. بخش مرکب و مرکب سازی)	
۱۰۸	مقراض	
۱۱۰	مقط	
۱۰۸، ۹۳	مسطر	
۱۴۵	نمد [کتابه نویسی]	

اصطلاحات دیوانی

۱۴۲	احکام (ج حکم)
۷۶	الواح (ج لوح)
۱۴۲	انشاء

کتابه و کتابه نویسی

۱۴۵	ابریشم
۱۴۵	تخته مربع مستطیل
۱۴۵	تیماج
۹۳	خط کتابه ای
۱۴۵	سالو
۱۴۵، ۱۱۱	سطاره
۱۴۵	قلم کتابه
۱۴۱	قلم الکتابه
۱۴۵	کاغذ کتابه
	کتابه ۳۹، ۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵؛ اسباب ~ نوشتن ۱۴۵؛ قلم ~ کاغذ ۱۴۵
	کتابه ای ← خط کتابه ای
۱۴۵	نمد

جدول کشی و سطراندازی

۱۳۲، ۱۱۱، ۹۳	پرگار
۱۱۱، ۴۱، ۴۰	تخته
۱۱۱	جدول کشیدن
	جدولی ← قلم جدولی
۱۱۱	خار
۱۱۱، ۱۰۸	سوزن
۱۱۱	قلم جدولی
	مسطر ۹۳، ۱۰۸؛ ~ بستن ۱۱۱؛ ~ کردن ۱۱۱

تصویر و نقاشی

۱۹۹، ۱۹۶، ۱۶۹	چهره گشادن / گشودن
۲۱۲، ۱۵۱	چهره گشا
۱۴۷، ۶۳	چهره گشایی
۱۵۶	زرافشان
۱۲۱، ۱۰۹	صورت
۱۰۹، ۷۶	صورتگر
۲۳۷	منقش
۱۷۵	منقوش
۱۴۵	نقاشی
	نقش ۳۹، ۴۰، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۶۸، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۶۶؛ ~ آراستن ۴۰؛ ~ بستن ۲۶۷، ۲۳۴، ۴۶، ۴۱
۱۲۱، ۷۵، ۵۹، ۴۶	نقش بند
۱۹۲	نقش بندی
۲۳۰، ۲۰۱، ۱۳۵، ۱۲۱، ۶۴	نقوش (ج نقش)
۷۶، ۵۹	نگارخانه
۱۲۰	نگاشتن

صحافی و تجلید

۱۱۱	تنگ مجلدی
۱۴۵	تیماج

۱۰۸	خیش [کاغذسازی]
	درج ۸۵؛ ~ نوشتن ۱۱۱
۱۴۲، ۱۳۱	دروج (ج درج)
۴۰	رقه
۱۳۹	رقعه
۱۰۹	سبک (صک)
۱۰۸	سیم سیم (صک)
	شامی نسب ← کاغذ شامی نسب
۲۶۰	شقه
	صفحات ۴۶، ۶۱، ۶۴، ۹۵، ۱۰۴، ۱۴۱، ۱۶۹، ۱۹۳، ۲۱۷، ۲۵۲؛ ~ بیاض ۱۱۹
۱۱۱	صفحه
۱۰۸	طراوت (وک)
	کاغذ ۷۷، ۸۸، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۹؛ اصلاح ~ نمودن ۱۱۰؛ دسته ~ ۱۱۱؛ سطح ~ ۱۱۱؛ ~ بزرگ ۱۱۱؛ ~ شامی نسب ۱۰۸؛ ~ قطع کردن (= بریدن) ۱۱۱؛ ~ کتابه ۱۴۵؛ وجه ~ ۱۵۰
۱۰۸	لطافت (وک)
	ورق ۵۶، ۷۲، ۸۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۲۰۲؛ داغ بر ~ کردن ۷۱
۲۱۷	ورقات
۱۱۱	هموار (صک)

اجزای کتاب و نسخه

۴۶	ابواب (ج باب)
	باب
	(اغلب صفحات)
۲۷۵، ۲۷۰، ۵۳	خاتمه
	دفتر ۲۳۹؛ رشته ~ ۱۰۸
۱۶۲، ۱۲۵، ۶۲، ۴۸	دیباچه
۱۶۲	دیوان
۲۱۷	زبور
۶۲	سردفتر
۱۵۱	سرنسخه
۱۲۱	صور کتابی
	فصل ۸۵، ۸۸، ۱۰۱، ۱۷۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۶۲، ۲۷۱، ۲۸۰، ۲۷۶
۴۶	فصول (ج فصل)
۱۶۲	فهرست
۲۰۳، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۱۹، ۶۲، ۴۵، ۴۱	کتاب
۱۰۶	کتابات
	کتب (ج کتاب) ۵۶، ۶۱، ۸۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۵۶
۱۶۲	مجموعه
۱۹۳، ۱۴۱	مصاحف (ج مصحف)
۱۹۳	مصحف
	مقدمه ۵۳، ۵۹، ۶۱، ۸۶، ۱۰۲، ۱۷۲
۱۵۶، ۱۳۹	نسخ (ج نسخه)
	نسخه ۴۸، ۶۹، ۷۲، ۸۳، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۵۳، ۱۶۳، ۲۰۱، ۲۶۶

۱۶۸	طغرانویس	۲۰۸	لوایح (ج لوح)	۱۳۹	پاره (= رقعہ)
		۲۳۷، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۶۸	لوح	۱۴۲	تعلیق نویس
	متفرقه و نامشخص	۱۱۷، ۱۱۳، ۶۷، ۵۳	مقاله / مقاله	۱۳۸	حجرات (ج خجّة = سند)
	بیاض (= مسوده)	۶۴	مکتوبات	۴۵	دیوان
	تألیف	۱۴۴، ۱۴۲	مناشیر (ج منشور)	۲۷۵، ۲۲۴، ۴۶	رسائل (ج رساله)
	تحریر	۲۶۰، ۱۶۶، ۴۱، ۴۰	منشور	۱۱۶، ۱۴۳، ۱۲۴، ۱۲۰، ۹۱، ۸۳، ۵۳، ۴۶	رساله ۴۶، ۵۳، ۸۳، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۱۶، ۲۷۵، ۲۷۰، ۲۴۵
	تصنیف	۱۰۹، ۷۴، ۷۲، ۴۷	نامه		
	توشیح	۲۱۷	ورقات	۱۳۹	رقعه
	کلک آزما			۱۶۳، ۶۲	روزنامه
	مؤلف		مشاغل	۱۳۸	سجلات
	محلی	۱۴۱	بندگیر	۴۱	طغرا
	مستخرج	۱۴۲	تعلیق نویس	۲۶۰	طغراکش
	مسوده	۱۰۹، ۷۶	صورتگر	۱۶۸	طغرانویس
	موشح	۲۶۰	طغراکش	۲۰۲، ۱۴۲، ۱۳۸	طوامیر (ج طومار)

Calligraphic and Codicological Terminology of *Toḥfat al-Moḥebbīn*

Pejman FIROUZBAKHS

(Nameh-ye Baharestan)

The first step toward the establishment of a lexicon of calligraphy and codicology involves exploring classical Persian and Arabic texts in order to identify words and expressions that concern these issues. One of the most important texts for this purpose is *Toḥfat al-Moḥebbīn*, which contains a considerable number of calligraphic terms.

Toḥfat al-Moḥebbīn is the second oldest, and the most extensive Persian treatise on calligraphy. It was composed in 858 AH (1454 AD) by one of the calligraphers who worked for Ebrāhīm b. Shāhrokh (r.810 - 838/1408 - 1435). The treatise was edited and published by Iraj Afshar and K. Rana-Hoseyni (Tehran 1376/1997). The present paper offers a complete list of the calligraphic terms that have been used of this treatise for the consideration of the scholastic community. The list is arranged by subjects that not only deal with calligraphy perse, but also with scribe, pens, parts of the book, colophons, ruling, illustration, binding, tools of book making, and chancery terms.